



اعلامیه
در محکومیت اقدامات تروریستی
یک جریان فاسد "کردی"
و اعلام ملاحظاتی بر یک اطلاعیه در این مورد
صفحه ۳

از روئیهای ضد انقلابی عبدالله مهدی
تا واقعیتهای جاری در جامعه
صفحه ۷

پسا سایکس پیکو در خاورمیانه
گذری بر تحولات منطقه، ایران، کردستان
صفحه ۱۲

اخبار و گزارشات کارگری و توده‌ای
در هفته‌ای که گذشت
صفحه ۹

به روایت تصویر: مبارزه کارگران و آزادیخواهان
و چند اتفاق مهم دیگر در هفته‌ی که گذشت
صفحه ۱۱

"حداقل دستمزد، حداقل معاش برای زنده ماندن!"

"اکنون کار مزدی را بررسی می‌کنیم. حداقل دستمزد بهای میانگین کار دستمزدی است، یعنی آن مقدار معین از وسایل معاش که مطلقاً برای زنده ماندن کارگر لازم است. بنابراین، آن چه کارگر مزدبگیر با کار خود به تملک درمی‌آورد صرفاً برای تداوم و بازتولید زندگی اش کفایت می‌کند. ما در صدد آن نیستیم این تملک شخصی حاصل کار را براندازیم، یعنی تملکی که به مصرف حفظ و بازتولید زندگی آدمی می‌رسد و مازادی هم بر جانمی‌گذارد که با آن بتوان بر کار دیگران تسلط داشت. ما فقط می‌خواهیم خصلت تباه‌کننده تملکی را از بین ببریم که موجب می‌شود کارگر فقط به این دلیل زنده بماند که بر سرمایه بیفزاید و فقط تا جایی زنده می‌ماند که منافع طبقه حاکم ایجاب می‌کند.



در صفحات
دیگر:
- نامه اسماعیل
بخشی به وزیر
اطلاعات؛...
- تبدیل گروه ملی
صنعتی فولاد به
پادگان نظامی
- مدیر عامل هفت
تپه با ۹۸ میلیون
دلار "فرار" کرد
صفحه ۲

در جامعه بورژوازی کار زنده فقط وسیله ای برای افزایش کار انباشته شده است. اما در جامعه کمونیستی، کار انباشته شده فقط وسیله ای برای گسترش، بارور کردن و اعتلا بخشیدن زندگی کارگران است. بنابراین، در جامعه بورژوازی گذشته بر حال و در جامعه کمونیستی حال بر گذشته چیره است. در جامعه بورژوازی سرمایه استقلال و فردیت دارد، حال آن که آدم زنده نه استقلال دارد نه فردیت. و بورژوازی از بین بردن این وضعیت را از بین بردن فردیت و آزادی می‌داند! حق هم دارد.

حداقل دستمزد، حداقل ...

بی شک هدف (ما) از میان برداشتن فردیت بورژوازی، استقلال بورژوازی و آزادی بورژوازی است.

آزادی در شرایط کنونی تولید بورژوازی (به مفهوم) تجارت آزاد و خرید و فروش آزاد است. اما زمانی که خرید و فروش ناپدید شود، خرید و فروش آزادانه هم ناپدید می شود. سخن سربازی درباره خرید و فروش آزادانه و تمام <<سخنان مشعشانه >> بورژوازی ما درباره آزادی، اصولاً اگر مفهومی هم داشته باشد، فقط در مقابل خرید و فروش محدود و تحت نظارت تجار دست و پا بسته قرون وسطایی صادق است، و در برابر شیوه کمونیستی از بین بردن خرید و فروش و شرایط بورژوازی تولید و بورژوازی معنا و مفهومی ندارد.

شما از این که می خواهیم مالکیت خصوصی را براندازیم به هراس افتاده اید، اما مالکیت خصوصی در همین جامعه موجود شما برای نه دهم جمعیت از میان رفته است. صرفاً از آن جهت مالکیت خصوصی عده ای معدود وجود دارد که این نه دهم از آن بی بهره هستند. پس شما ما را به این جهت سرزنش می کنید که قصد داریم شکلی از مالکیت را نابود کنیم که محرومیت اکثریت عظیم جامعه از هر نوع مالکیتی شرط ضروری هستی آن است. خلاصه، ما را سرزنش می کنید که قصد داریم مالکیت شما را از میان برداریم. دقیقاً چنین است: قصد ما همین است.

از آن لحظه که دیگر نتوان کار را به سرمایه، پول، بهره مالکانه و به قدرت اجتماعی انحصارپذیر تبدیل کرد، یعنی از آن لحظه که دیگر نتوان مالکیت فردی را به مالکیت بورژوازی و به سرمایه تبدیل کرد، درست از همان لحظه خواهید گفت که فردیت نابود شده است.

بنابراین، باید اعتراف کنید که وقتی از << فرد >> سخن سر می دهید، هیچ شخص دیگری جز شخص بورژوا، جز مالک طبقه متوسط، را در نظر ندارید. به راستی، چنین شخصی باید برافند و غیر قابل تحمل شود."

مارکس- انگلس. مانیفست کمونیست .

کتاب مانیفست پس از ۱۵۰ سال (۲۹۵، ۲۹۴)

ترجمه، حسن مرتضوی و محمود عبادیان.

بازتکثیر: شماره ۸۱ نشریه سوسیالیسم امروز، (سر تیتر مقاله بر گرفته از متن و از جانب نشریه انتخاب شده است)

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هویت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان مترقی، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده های گسترده زحمتکشان جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را بخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

"زندانان سیاسی آزاد باید گردند"، "آزادی برابری حکومت کارگری"،

"زنده باد برابری زن و مرد"، "نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"،

"نه به فقر و فساد و استثمار"، "نه به نیروی های مسلح حرفه ای و

ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"، " نه به

جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"، نه

قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"،

"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"،

"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و تحزب"، "آزادی

بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"،

"پرداخت فوری دستمزد بالای زیر خط فقر به کارگران و مزد بگران"

"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم

پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"، ممنوع بودن هر شکلی از کار

کودکان"، "پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و

آماده بکار"، "زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"، "زنده باد

جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی" "زنده باد حزب

سوسیالیست انقلابی ایران"، "مرگ بر سرمایه داری"، "زنده باد

سوسیالیسم"، ...

"... چشم انداز حزب ما برای وقوع یک انقلاب دیگر، دوباره تاکید کنیم منظور یک انقلاب انقلابی متعلق به کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت، و به هدف استقرار نظام سوسیالیستی، تماماً در گرو درس گرفتن جدی ما از انقلاب ۵۷، در گرو عروج متشکل و متحزب طبقه کارگر، در گرو تبدیل شدن احزاب مانند حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب سیاسی بزرگ تودی ای-کارگری و آماده برای نبرد جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی با جمهوری اسلامی و کلیت نیروهای راست ملی و اسلامی که دست به اسلحه دارند و میتوانند در تند و پیچ سیاسی پیش رو با حمایت امثال امریکا و دیگر جنایتکاران امنیت و آرامش جامعه را به هم بزنند، در گرو تدارک همه ملزومات ضروری و فوری سرنگونی جمهوری اسلامی است!

ما معتقد هستیم بدون وجود چنین آمادگی هر شکلی از سرنگونی یا انقلاب، علیه جمهوری اسلامی، حتی به وقوع هم بیوندند، در بهترین حالت ممکن کارگر و زنان و جوان مبارز و سوسیالیستها و کمونیستهای انقلابی همان چیزی بدست خواهند آورد که سال ۵۷ تا کنون بدست آورده است. ما یک نیروی واقع بین هستیم، از هیاهو و پوپولیسم بازی، دنباله روی از "مردم" و جنجال و خود فریبی خوشمان نمی آید. فکر میکنیم برای پیروزی قطعی کامل بر جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی و سوسیالیسم باید هزاران بار بیشتر از موقیت کنونی از هر نظر آماده تر شد!..." (سلام زیجی)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اعلامیه در محکومیت اقدامات تروریستی یک جریان فاسد "کردی" و اعلام ملاحظاتی بر یک اطلاعیه در این مورد

که بارها با یورش و طرح ترور و کشتار نیروهایشان توسط همین اوباش سازمان ضد زحمتکشان، روبرو گردیدند، به تداوم افسارگسیختگی این جریان ضد انقلابی کمک نمود.

۲- در اطلاعیه "دفتر مرکزی حزب حکمتیست" ، که خبر اقرار "شورش خراسانه" را منعکس کرده است، هیچ توضیحی داده نمیشود چرا این جریان در فاصله زمانی مثلا ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ باید چنین اقداماتی علیه فعالین آن دوره حزب حکمتیست در دستور بگذارند؟ یا چرا صرفا با اسم بردن از "رحمان حسین زاده" و یا افرادی که اکنون با خودشان هستند به عنوان کسانی که قرار بوده ترور شوند اکتفا کرده اند؟ چرا از اسم بردن از همه لیست فعالین کمونیست و اصلی آندوره، که بخشی از آنها هر کدام به شکلی در لیست ترور و یا مورد فشار و تعقیب این جریان ضد کمونیستی، و دیگر مرتجعین قرار گرفته بودند، سکوت مینمایند. آیا در اینجا هم باید نسبت سیاسی را وارد معادله نمود؟! آیا میتوان تاریخ زنده ومستند رویدادها را هم با یک اطلاعیه عوض کرد؟، این است موضعگیری کمونیستی و بسیج نیرو علیه یک نیروی باند سیاهی؟، اگر هدف مبارزه با سیاست و اعمال تروریستی علیه اپوزسیون و فعالین کمونیست محور اصلی است، نه صرفا بهره برداری حقیق سازمانی و شخصی و شخصیت سازی از این نوع وقایع، نباید با اعلام مبارزه با تروریسم یک جریان دیگر همزمان خود در شکل دیگری در اعمال سانسور و "ترور سیاسی" مخالفین سیاسی کنونی خود غرق گردید. **بعلاوه، همزمان با اعلام تنفر عمیق خود از سیاست شنیع و بزدلانه سازمان ضد زحمتکشان و آماده شدن برای مقابله جدی سیاسی و عملی علیه هر نوع اقدام اینها بر علیه هر نیروی مسئول و کمونیستی، لازم میدانیم اعلام کنیم که با طرح اسامی افراد آنها در اطلاعیه رسمی حزبی، با وجود واقعی بودن آن، و علیرغم طرح آن از جانب شخص ثالث دیگری در اینترنت، کاملا مخالف هستیم و چنین رویکردی را در شان یک جریانی که خود را کمونیست می داند نمیدانیم، میبایست اساس سیاست تروریستی آن جریان مورد نظر قرار بگیرد نه اینکه کدامیک از افراد سرسپرده**

اخیرا در تاریخ هفتم دسامبر ۲۰۱۸ فردی به اسم "شورش خراسانه"، از پیشمرگان سابق سازمان زحمتکشان (عبدالله مهددی سازمانی که به اسم جعلی "حزب کومله" فعالیت دارد)، در یک برنامه زنده در شبکه اجتماعی فیسبوک با مدیریت "بختیار بلوری"، فاش کرده است که در سال ۲۰۰۵ میلادی از جانب رهبری آن سازمان مامور شده که تعدادی از اعضای رهبری و کادرهای آنزمان جریان کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست، در شهر سلیمانیه در کردستان عراق را ترور نمایند و ایشان از اجرا کردن چنین جنایتی خودداری کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن محکوم کردن قاطع این اعمال شنیع باند "زحمتکشان"، توضیحاتی حول این رویداد، بیان حقایق بیشتری در این باره، و همچنین طرح ملاحظاتی بر یک اطلاعیه در این مورد ضروری میدانم:

۱- هر چند نفس اعلام علنی و افشای چنین سیاستهای از سوی یکی از مسئولین سابق آن جریان، ولو با تاخیر بسیار زیاد، اما مهم و "سندیت" بیشتری به اصل ماجرا در انظار عمومی داده است، اما برای ما که خود شاهد عینی این عملکردها و دها اقدام مشابه آن جریان ارتجاعی بوده ایم، چنین رویدادهایی را اکنون به عنوان یک پدیده جدید تلقی نمیکنیم و نمی بایست با هیچ بهانه ای تا این مقطع از اعلام علنی آن خودداری میشد. همانطوری که در همان دوره با جمهوری اسلامی و مضحکه انترپول رفتار کردیم حق بود با نقشه ها و اقدام تروریستی جریان مهددی هم در افکار عمومی همان دوره برخورد میشد. نفس چنین طرح هایی حداقل برای ما (که در آنزمان بخشی از رهبری حزب ما در رهبری حزب حکمتیست فعالیت داشت) امروز و از کانال فرد ثالثی روشن نشده است. سکوت تاکتونی در باره عملکرد تروریستی و ارتجاعی چنین جریانی، هم از جانب رهبری وقت حزب حکمتیست، و هم به ویژه از جانب رهبری کومله "سازمان کردستان حزب کمونیست ایران"

آنها قرار بوده دست به اعمال تروریستی بزنند. این سازمان ارتجاعی با این اسامی و بدون آنها همچنان یک جریان تروریستی و سناریو سیاهی است! با تمرکز روی اسامی یک یا دو نفر اصل بنیاد تروریستی-ارتجاعی حاکم بر آنها را فرعی تر کرده ایم. در هر صورت از همه میخواهیم حرمت انسانی اشخاص، از جمله مخالفین سر سخت سیاسی خود را محفوظ نگهدارند، تا اثبات جرم در یک مرجع ذیصلاح و ثالث باید از اسم بردن افراد آن هم در این سطح اکیدا خودداری شود، این روشها به سنت و جنبش سوسیالیستی ما تعلق ندارد! خواسته یا ناخواسته، این روش بخشی از همان فرهنگ "تروریستی" است که قرار است علیه آن مقابله گردد.

۳- مستقل از ماهیت ضد کمونیستی و متکی بر روشهای تروریستی جریان مهددی، باید گفت آنچه که نه تنها این جریان، حتی خود جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم افراطی کرد را در آن سالها به تکاپو و وحشت انداخت، و برای مقابله با آن در فکر طرحهای بزدلانه ترور ماها نیز بر آمدند، بخاطر "فحش دادن به کاک عبدالله" و چند مقاله افشاگرانه نبود!، بلکه بخاطر شروع یک پراکتیک کمونیستی فعال از جانب ما در جامعه کردستان در آن تاریخ بود. واقعیت آن تاریخ را امروز نیز میتوان با فیلم و اخبار و فاکت نشان داد که حزب حکمتیست آنزمان، نه حزب حکمتیست کنونی، (بخشی از رهبری حزب سوسیالیست انقلابی نیز در رهبری حزب حکمتیست آنزمان و در راس فعالیتهای مهم آندوره قرار داشت) عامل روی آوری هر چه بیشتر تبلیغات پوچ علیه جنبش ما وتوصل به سیاست تروریستی بزدلانه امثال جریان مهددی و جمهوری اسلامی علیه ما بود. در آن چند سال، از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ میلادی از جمله با انجام سه حرکت بسیار مثبت و موفقیت آمیز علنی -نظامی، تحت عنوان "پروژه رهبران کمونیست"، در عمق مناطق کردستان از طرف ما صورت گرفت. سخنرانی در یکی از پارکهای پر جمعیت اوبر سنج و حضور گسترده در منطقه، سخنرانی در مناطقی در حومه سقز، و همچنین حضور علنی در روستای بیژوه در منطقه سردشت، که در جریان این فعالیتها یک مورد

ادامه ←

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

اعلامیه در محکومیت اقدامات ...

درگیری نظامی شدید با عوامل رژیم در منطقه سفر که به نابود کردن کلیه نیروهای حمله کننده رژیم به رفقای ما منجر گردید، توانست توجه گسترده جامعه را نه فقط در کردستان که در کل ایران و منطقه به جریان ما جلب نماید، طوری که هم جمهوری اسلامی و دادگاش در سنج و انترپول و هم امثال مهدی به تکاپوهای احمقانه افتادند و خواستند پیروزیهای ما را به شکست بکشانند و انتقام بگیرند، اما هر دو در آن تلاش شکست خوردند و رسواتر شدند! جای افتخار است همینجا اعلام کنیم که فرماندهان و بخشی از اجرا کنندگان اصلی این سه حرکت و دستاورد بزرگ که جمهوری اسلامی و "حزب کاک عبدالله" را مانند موش تو سوراخ کرده بودند، اکنون در رهبری حزب سوسیالیست انقلابی حضور دارند. و دقیقاً به همین خاطر بارها از جانب هم عوامل رژیم و هم جریان مهدی مورد تهدید و توطئه از جمله در شهر سلیمانیه و منطقه مواجه شدند. رهبری جدید و کنونی "حزب حکمتیست" با جزئیات از آن با خبر است، اما همچنانکه گفتیم متأسفانه وجود سنت و منفعتهای کور سیاسی و شخصی در این نوع چپ مانع بیان این حقایقها از جانب آنها شده است، چرا که ما اکنون جز مخالفین سیاسی آنها هستیم. اما همانوقت رهبری واحدهای ما (اکنون عضو شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی است) در جریان یک اقدام تروریستی جریان مهدی علیه خود و رفقایش، که گفته شد "اسایش سلیمانیه آمده اند دنبال شما و در کوچه ها مستقر شده اند" پاسخ درخوری به آن بزدلها داد و پیام فرستاد به جریان مهدی و گفت: "بروید به رهبران بزدلتان بگوئید اگر شهادت دارند بیایند تا نشانشان بدهیم تعقیب ما کمونیستها و آزادیخواهان چه بهای برای مرتجعین دارد! ما هیچ ترسی نه از شما و نه از جمهوری اسلامی نداریم!".

۴- به علاوه، برای درس گرفتن درست جنبش ما از وجود چنین فرهنگ فاسد و چندی آور تروریستی، چه در قالب تهدید و طرح های به منظور ترور فیزیکی و گرم و یا در شکل ترور سرد و سیاسی، چه از جانب دولت‌های مرکزی و چه از جانب اپوزسیون صورت بگیرد، باید به بسترهای که چنین منجلاهی در آن رشد میکند پردازیم و بدون هیچ تعصبی علیه آن به مبارزه متحد بر خیزیم. چنانچه اندکی از سازمان ضد زحمتکشان و "رعیت" هایش و

طرفداران "بیزینس من" و شریک مالی های مستقیم "کاک عبدالله"، فاصله بگیریم، متوجه میشویم که فرهنگ ترور مخالفین، یک فرهنگ به عاریه گرفته شده از جمهوری اسلامی و نظامهای استبدادی و فاسد سرمایه داری است. متأسفانه این فرهنگ نیز در اکثر نیروهای اپوزسیون راست و چپ ایران، هر کدام به شکلی عمل کرده و می کند. کمتر نیروی حداقل در تاریخ چهل ساله اخیر ایران سراغ داریم که مخالفین سیاسی بیرون و درون سازمان خودش را به نوعی ترور نکرده باشد. تفاوتها اگر بوده و هستند در محتوا نیست، تنها در شکل اعمال ترور، و بستگی به میزان قدرت و وجود امکانات سازماندهندگان ترور و سرکوب سیاسی منتقدین از جمله از طرف "رهبران مادام العمر" بوده است. اگر قرار است براستی مبارزه علیه تروریسم و طرد هر نیروی متکی به تروریسم، چه به شیوه ترور فیزیکی، چه سیاسی و شخصیتی انسانها باشیم، باید علیه کلیه این مظاهر و سننهای سیاسی سانسور و سرکوب مخالف سیاسی بود. بدون چنین حساسیت و رویکردی این روند ضد انسانی و ضد کمونیستی هر بار به شکلی نسلی از انسانهای آزادیخواه و منتقد را قربانی میکند.

۵- بیان حقایق فوق به هیچ وجه دال بر کاهش دامنه نفرت و انزجار اجتماعی از سیاستها و اقدامات جریان مهدی نیست! برعکس، در جهت تقویت نگاه همه جانبه تر و جدی تر به پدیده تروریسم سیاسی و نظامی و اهمیت مبارزه قاطعانه با همه شئون این پدیده و سنت از جمله در صفوف اپوزسیون و فضای سیاسی کشور است. آنچه که به چنین موجودی حتی امکان می دهد علیه مخالفین خود در دوره کومله و جدائی از آنها، و یا در دوران سر و صورت همدیگر خونین کردن در کشمکش خانوادگی دو سازمان "زحمتکشان" و دزدیدن پول همدیگر روی می آورند، و اینکه در فکر اقدامات بزدلانه تروریستی علیه ما کمونیستها باشند، ناشی از وجود قابلیت‌های ارتجاعی سیاسی- سازمانی و سرمایه گذاری چنین نیروهای حول منجلاهی است که امثال جمهوری اسلامی و امریکا و فاشیسم اسلامی و ملی گرایان در منطقه به وجود آورده اند. و بخشا متأسفانه ناشی از سکوت و حتی همراهی نه فقط بخش از اپوزسیون و احزاب سیاسی در کردستان،

که فراتر از همه همراهی و حتی همکاری رهبران کومله "حزب کمونیست" با این جریان باعث گردیده است تا آن جمع مرتجع سرپا بمانند و چنین پدیده ای حتی تحت نام "کومله" بتواند علیه تمام بنیادهای سیاسی و آرمانی و جنبشی کومله قدیم و جانباختگان سوسیالیست آن تاریخ و کل جنبش سوسیالیستی در کردستان به حیاط سیاسی مخرب و ارتجاعی خود ادامه بدهد.

در آخر، ضمن محکوم کردن مجدد کلیه سیاستها و اقدامات تروریستی جریان "حزب کومله"، از جمله اقدامات زبونه که از قول "شورش خراسانه" اخیرا افشا گردیده است، از همه نیروهای سیاسی مسئول اپوزسیون و از کلیه شهروندان مقیم جامعه کردستان ایران می‌خواهیم این جریان ارتجاعی را بیش از پیش طرد و رسوا نمایند. همچنین از افراد سالم و بی خیر از آینده تاریخشان در صفوف این جریان، از آنهایی که "تلفن" هایشان را به گروه میگیرند و حتی مانع تماس با اعضای خانواده شان میشوند، و از هر کسی که برای خود شرافت سیاسی قائل است می‌خواهیم که صفوف آن جریان فاسد مافیائی و نامسئول را ترک کنند. از کانال مسئولین ما در کردستان عراق و همچنین از کانال تماس با دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی امکان راهنمایی و دادن اطلاعات لازم به کسانی که حاضرند پای خود را از این لجن بیرون بکشند، ممکن است.

دبیرخانه

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۹ دی ۱۳۹۷

۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

تماس با سایت سوسیالیسم امروز:

info@simroz.org

تماس با دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی:

iransocialist2017@gmail.com

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!



نامه اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات؛ شما را به مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می‌کنم

توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجوییم می‌گفت ما از

همه چیز تو خبر داریم حتی می‌دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزات با تو دعوا کرده است گفتیم از کجا می‌دانید گفت مدت‌ها تماس‌های تو «شنود» می‌شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال پرسش بنده و خانواده‌ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که آیا «شنود» خصوصی‌ترین مکالمات انسان‌ها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می‌کنم.

اسماعیل بخشی، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۷.

آقای بخشی پیشتر نیز در تاریخ ۲ دی‌ماه طی یادداشتی اعلام کرده بود که به محل کار خود بازگشته است. وی در این یادداشت نوشته بود: «امروز پس از گذشت چهل روز در محل کارم حاضر شده‌ام با اینکه معنای آزادی را دیگر نه می‌فهمم نه درک می‌کنم، اندکی احساس آزادی کردم.»

اسماعیل بخشی از فعالان کارگری شرکت نیشکر هفت‌تپه در تاریخ ۲۷ آبان‌ماه در چهاردهمین روز تجمع اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری شوش همراه با تعداد دیگری از معترضان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و روز چهارشنبه ۲۱ آذرماه با تودیع وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. اتهامات «اخلال در نظم عمومی» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» در شعبه اول دادپرسی دادرسی عمومی و انقلاب شوش و اتهام «مشارکت در تشکیل گروه برای بر هم زدن امنیت ملی» در شعبه ۱۲ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب اهواز علیه او مطرح شده بود.

لازم به یادآوری است کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایا و نیز برای مطالبه بازگشت این واحد به بخش دولتی طی ماه‌های اخیر اقدام به برپایی تجمعات اعتراضی کرده بودند.

کشت و صنعت هفت تپه، قدیمی‌ترین کارخانه تولید شکر از نیشکر در کشور است که نیم قرن از تاسیس آن می‌گذرد و طبق اصل ۴۴ قانون اساسی اواخر سال ۱۳۹۴ از سوی سازمان خصوصی سازی از چرخه دولتی خارج و به بخش خصوصی واگذار شد.

حدود چهار هزار نفر به صورت رسمی، قراردادی و پیمانکاری در بخش‌های مختلف این شرکت بزرگ تولید شکر مشغول کار هستند.

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در ۱۵ کیلومتری شهر شوش در شمال خوزستان واقع است.

خبرگزاری هرانا - اسماعیل بخشی، فعال کارگری که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در آبان‌ماه بازداشت و سپس در آذرماه با تودیع وثیقه آزاد شده بود، امروز طی نامه‌ای با اشاره به رنج‌هایی که در زمان بازداشت به وی تحمیل شده، محمود علوی، وزیر اطلاعات را به مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت کرد. وی در بخشی از این نامه می‌گوید: «آیا شنود خصوصی‌ترین مکالمات انسان‌ها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید شنود کند؟ از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟»

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، امروز جمعه ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۷، اسماعیل بخشی طی نامه‌ای ضمن طرح چند سوال در مورد شرعی بودن شکنجه و شنود مکالمات تلفنی شهروندان توسط مامورین وزارت اطلاعات از منظر دین اسلام، سید محمود علوی، وزیر اطلاعات را به مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت کرد.

متن کامل این نامه که در صفحه شخصی اسماعیل بخشی منتشر شده است، در ادامه می‌آید:

«جناب آقای علوی در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج‌هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آن‌ها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده‌ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خره مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهنده‌ی اصلی آن‌ها فقط شخص شما می‌باشید و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش‌ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی‌توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم زجرآور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دو ماه از آن روز سخت در دنده‌های شکسته‌ام، کلیه‌ها، گوش چپم و بیضه‌هایم احساس درد می‌کنم جالب اینکه شکنجه‌گران خود را سرباز گمنام امام زمان می‌نامیدند اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش‌های رکیک جنسی می‌دادند و ایشان را هم کتک می‌زدند اما از شکنجه‌ی جسمی بدتر، شکنجه‌های روانی بود، نمی‌دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دست‌هایم می‌لرزد، منی که زمین زیر پایم می‌لرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص‌های اعصاب و روان گاهی دچار حمله‌های شدید عصبی روحی و روانی می‌شوم، اکنون از جنابعالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم: از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه‌ی یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟

مسئله دوم که برای من و خانواده‌ام بسیار بسیار مهمتر از شکنجه‌های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده‌ام

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

تبدیل گروه ملی صنعتی فولاد به پادگان نظامی و بازداشت محمدرضا نعمت پور را قویا محکوم میکنیم

در پی تجمع روز ۱۱ دی ماه جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در مقابل مدیریت شرکت برای آزادی همکاران زندانی شان، قبل از ظهر دیروز مامورین امنیتی با یورش به منزل محمدرضا نعمت پور اقدام به بازداشت این کارگر معترض کردند و او را پس از بازداشت به شعبه بیستم دادگاه انقلاب اهواز و سپس مستقیما به زندان شبیان منتقل کردند.

محمدرضا نعمت پور دیروز در حالی بازداشت شد که روز قبل در مقابل ساختمان مدیریت شرکت در برابر تهدید به بازداشت رئیس جدید حراست شرکت مقاومت کرده و به همراه دیگر تجمع کنندگان خواهان آزادی هفت همکار زندانی خود شده بود.

این بازداشت و رفتارهای دیکتاتور مابانه رئیس جدید حراست گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با کارگران و تبدیل این مجتمع عظیم صنعتی به جولانگاه نیروهای نظامی و امنیتی و در سوی دیگر تداوم بازداشت هفت کارگر حق طلب و سرفراز گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، انتقام کشی از ۳۸ روز اعتراضات خیابانی و حق طلبانه کارگرانی است که با اتحاد و همبستگی خود مافیای ثروت و قدرت را در به تعطیلی کشاندن این مجتمع بزرگ تولیدی ناکام گذاشتند و اینک پس از راه اندازی تولید در تلاشند تا با تبدیل این شرکت به یک پادگان نظامی و سرکوب فوری هر اعتراضی در آن، هزینه ۳۸ روز اعتراضات شکوهمند آنان را چنان بالا ببرند تا دیگر هیچ کارگری جرئت دفاع از حقوق انسانی اش را به خود ندهد.

پاران و هم طبقه ای هایمان در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

شما با عزم خلل ناپذیر و متحدانه خود ۳۸ روز با سری افراشته جنگیدید و مافیای ثروت و قدرت را در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز برای غارتگریهای بیشتر و تعطیلی شرکت، موقتا هم که شده به شکست کشانیدید. اعتراضات و اراده شما دست انداز و سدی بزرگ در مقابل مافیای ثروت و قدرت ایجاد کرد.

شما و کارگران شرکت نیشکر هفت تپه آب به لانه غارتگران بستید. اگر نبود اعتراضات شما و کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، چه بسا که اینک ما کارگران و مردم شریف ایران با افشاگریهای رسوا کننده در مورد خصوصی سازیهای غارتگرانه ای که در سراسر کشور انجام شده است مواجه نبودیم. شما و کارگران شرکت نیشکر هفت تپه پرچمی ماندگار در مقابل به تاراج رفتن ثروتهای اجتماعی کشور بر افراشتید.

و طبیعی است که در این بین کل دم و دستگاه دولت و مافیای ثروت و قدرت در برابر کار بزرگی که شما و کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به پیش بردید دست به انتقام جویی بزنند و با تداوم بازداشت همکارانمان و نظامی و امنیتی کردن فضای شرکت و برخورد سرکوبگرانه با هر اعتراضی، طوری عمل کنند تا ما کارگران در پی کار بزرگی که حداقل تا بدینجا پیش برده ایم احساس شکست و سرخوردگی کنیم.

از اینرو باید بگوئیم مبارزه ما علیرغم عدم حضور در خیابانها، همچنان در جریان است. تداوم بازداشت همکاران زندانی ما و تبدیل شرکت به یک پادگان نظامی، چیزی جز تلاش برای به تمکین و اداشتن ما کارگران برای پیشبرد سیاستهای غارتگرانه ای که هم اکنون مافیای ثروت و قدرت در نتیجه اعتراضات قدرتمندانه ای ما، آنها را مسکوت گذاشته است نیست.

لذا همه با هم و متحدانه باید خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همکاران زندانی خود و پایان دادن به حضور نهادهای امنیتی در شرکت بشویم.

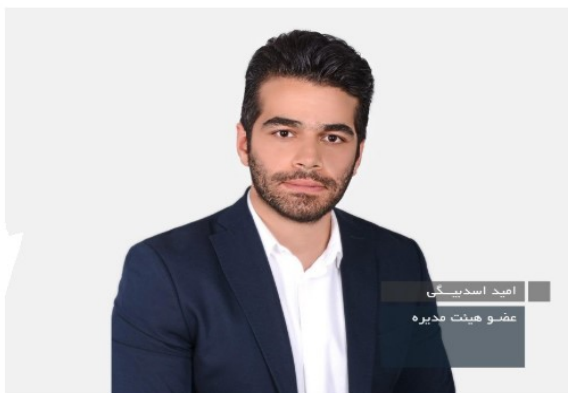
ما تداوم حبس هفت کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، بازداشت محمدرضا نعمت پور و تبدیل این مجتمع بزرگ صنعتی به یک پادگان نظامی را قویا محکوم میکنیم و با هشدار به غارتگرانی که پاسخ کارگران حق طلب را با غل و زنجیر میدهند، توجه فوری همه سازمانها و نهادهای داخلی و بین المللی کارگری را به آنچه که امروز و در پس اعتراضات ۳۸ روزه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در این مجتمع صنعتی میگذرد جلب و از آنان میخواهیم متحدانه خواهان آزادی فوری کارگران زندانی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و پایان دادن به سیاست سرکوب در این شرکت بشوند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۳ دی ماه ۱۳۹۷

اسدبیگی مدیرعامل هفت تپه با ۹۸ میلیون دلار ارز دولتی فرار کرد

منتشر شده در ۱۲ دی ۱۳۹۷

نماینده دادستان در دادگاه مدیر سابق حراست بانک مرکزی و مالک ماشین سازی تبریز اعلام کرد که امید اسدبیگی، کارفرمای خصوصی شرکت نیشکر هفت تپه، فراری است. به گزارش جماران، به گفته نماینده دادستان، «امید اسدبیگی، از متهمین تحت تعقیب دادرسی، با تهیه پروفرهای جعلی به نام قربانعلی فرخزاد، سهامدار اصلی کارخانه ماشین سازی تبریز، اقدام به ثبت سفارش برای



امید اسدبیگی
عضو هیئت مدیره

خط تولید نوشابه های گازدار و ورق خام امدی اف" کرد و طبق وکالتی که از وی داشت، به تخصیص ارز دولتی و دریافت ارز از بانک اقتصاد نوین اقدام کرد، در بازار آزاد فروخت و سهم قربانعلی فرخزاد را پرداخت کرد. نماینده دادستان گفت: «متهم قربانعلی فرخزاد در آقاری خود میگوید امید اسدبیگی مبلغ هفت تا ۱۰ میلیارد تومان به وی پرداخت و طبق بررسی سازمان سپاه، سود حاصل از ارز دولتی بیش از ۳۵۶ میلیارد ریال است که متهم حدود ۳۰ درصد را دریافت کرد و بقیه در اختیار امید اسدبیگی است که به علت پرونده های اقتصادی متواری است. امید اسدبیگی شرکت نیشکر هفت تپه را با پیش پرداختی شش میلیارد تومانی در زمستان سال ۹۴ خریداری کرد. این خرید در شرایطی انجام شد که اهلیت و توانایی مالی خریدار باید از سوی سازمان خصوصی سازی تایید می شد.

اسدبیگی مدیرعامل هفت تپه که می گفت «اجازه نخواهیم داد وجبی از این خاک به غیر از ایجاد رفاه و توسعه برای مردم، در مسیر دیگری فرار گیرد»، تنها در یک فقره از تخلفاتش، با جعل برگه های توجیهی اخذ ارز دولتی، ۹۸ میلیون دلار را گذاشت جیبش و فرار کرد.

امید اسدبیگی مدیرعامل پیشین نیشکر هفت تپه که چندماه پیش به کارگران گفت دست در دست هم زیر سایه نظام بمانیم با میلیاردها تومان از پول کارگران متواری شد.

در دادگاه امروز رئیس حراست بانک مرکزی گفته شد با همکاری امید اسدبیگی ۹۸ میلیون دلار ارز از دولت دریافت شده و با نرخ آزاد در بازار فروخته اند و سودش را به جیب زده اند. ۹۸ میلیون دلار! امید اسدبیگی مالک هفت تپه است که رییس خصوصی سازی تمام قد از او دفاع کرده است.

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!



از روئیاهای ضد انقلابی عبدالله مهدی تا واقعتهای جاری در جامعه

ابراهیم باتمانی

در آن زمان حتی بدتر از امروز چیزی به اسم انتخابات معنی نداشت. حرف اول و آخر فقط "شاه" بود. مگر کسی جرات داشت یک انتقاد از شاه و

حکومتش کند. او را به خاک سیاه میشانند. مجاهین خلق هم هیچ فرقی با جمهوری اسلامی ندارد، هر دو سرو ته یک پیز هستند. بقیه هم همین طور همیشه یا جزئی از رژیم بوده اند یا مشغول سازش و بند و بست با جمهوری اسلامی بوده اند. و در بهترین حال یا از حکومت رانده شده اند. این جریانات قوم پرستان که عبدالله مهدی در راس نمایندگی فکری-فاشیستی و بسیار عوامفریبانه آن قرار دارد از همه آنها که اشاره کردم بی پرستی تر، ضد کارگر تر و ضد ازادخواهی تر میباشد. پرونده سیاه این جریان دروغگو و شیاد اگر از بقیه بیشتر نباشد کمتر نیست.

در باره روئیاهای هرگز متحقق نشده شان، عبدالله مهدی میگوید ما در حکومت آینده کردستان باید یک نیرو مسلح به اسم پیشمرگه داشته باشیم، و ادامه میدهد ان احزاب و جریانات که مورد نظر مهدی است در هر سطح و مقامی باشند باید در یک واحد نظامی خدمت کرده و وظیفه خودشان را پیش ببرند و...، بنظر من حتی حزب دمکرات هم با این سیاستمدار بی پرستی راه برود کلاه سرش میرود و به آنها هم "خیانت" میکند، آیا حتی در آن جنبش بورژوازی کرد همیشه به آدم بی پرستی که قریب به ۳۰ سال است بی پرستی مستمر بخش پایه سیاست کردنش است و کلاس سر این آن می گذارد و با هر جریانی و دولت مرتجعی در تماس بوده و غیره، حتی یک روز هم اعتماد کرد؟! اید!!!،

از این جناب باید پرسید که آیا وقتی شما از سازمان کومله حزب کمونیست ایران جدا شدید اقدام خود سالم و قانونی می دانید؟، آیا ان همه جانباخته دوران کومله حزب کمونیست قدیم، که ما هم جزو رهبران و فعالینش بودیم و اکنون تو صد درصد علیه آن تاریخ ایستاده اید، از نظر شما کمونیست بودند؟، و یا قوم پرست و ناسیونالیست، کدامیک؟؟ چرا تصمیم گرفتید حمله به اردوگاه کومله سازمان "حزب کمونیست" بکنید، و حکم قتل عامشان از طرف شخص شما داده شد برای چه هدفی؟؟؟. چرا وقتی با عمر علیخانیزاده به خاطر قدرت و منفعت جدا شدند با چاقو همدیگر را لت و پار کردید؟ و برای جلوگیری کشتن هم دیگر نیروی آسایش در اردوگاه های شما مستقر شدند و شماها را خلع صلاح کردند برای چه؟؟؟؟ چرا میخواستید چندین نفر از کادر های حزب حکمتیست را ترور کنید؟ برای چه بارها پول حتی افراد را قرض گرفتید بعدا پس ندادید و آنها را خوردید؟ چه کسانی باعث ارسال "پیشمرگ" به داخل بود و به کشتنشان دادید؟ چرا وقتی که از طرف کادرهای سازمان خودت از تو میخواهند گزارش مالی را بدهید، چقدر خرج کرده اید، و چه قدر نقدینگی دارید، هرگز راستگو نبوده اید و معترضین با اخراج دسته جمعی مواجه میشوند و الان هم یک نفر به جز خودت نمیدانند ان سازمان چقدر پول دارد و از کجا بدست می آورد؟، از طریق امریکا؟ عربستان؟ یکینی؟ قاچاقچیان دو طرفه مقیم ایران؟، شاخه های از رژیم ایران؟، شراکت در فروش نفت وقت داعش؟ و...؟ چرا شخص خودت و دوربرت بهترین امکانات مالی در خارج و هم در کردستان عراق دارید بقیه فاقد امکانات هستند؟. آن دو نفر بیچاره را چرا قربانی کردید و تحویل آسایش گویا داده اید در جریان تیرانداز یتان بر روی مردم کردستان عراق، در حالی که فرد قاتل کسی دیگری و از یاران نزدیک به خودت است. چرا از جمهوری اسلامی خواستی "افعلا" رامین را اعدام نکنند؟ و... آیا این نوع برخوردهای شنیع و غیر انسانی و عملکرد دور از شان انسان برای شخص شما ابرو ریزی نیست؟ اما میگوئید اگر دو نوع ارایش نظامی و یا دو نوع سازمان نظامی در حکومت خیالی خود در کردستان داشته باشید ←

چند روز پیش در یک برنامه فیس بوکی در صفحه یکی از اعضای سازمان زحمتکشان متوجه شدم که عبدالله مهدی در یک سخنرانی به دو مسئله پرداخته است. یکم، اتحاد اپوزیسیون راست در ایران و کردستان، و دومی، در مورد حکومت آینده کردستان و جایگاه و طرح سازمانی پیشمرگ.

در اینجا بطور فشرده جوابی به این خیال پردازیهای آقای عبدالله مهدی خواهم داد و توجه خوانندگان به محتوی ضد انقلابی و ضد مردمی تلاشهای این مهره جنبش ارتجاعی بورژوازی جلب میکنم. عبدالله مهدی از پراکنده گی اپوزیسیون راست نگران است و میگوید من از لحاظ سیاسی و عملی تلاش زیاد کرده ام اما تا الان موافق نشده ام. و در ضمن شروع میکند به بلوف زدن و میگوید بارها از طرف اروپا و امریکا مورد سوال قرار گرفته ام، گویا به ایشان گفته اند ما اپوزیسیون راست قدرتمند نمیبینیم در ایران، اگر باشد ما کمکشان میکنیم. اپوزیسیون مورد نظر عبدالله مهدی از جنس خودش هستند و عبارتند از سازمان مجاهدین خلق، سلطنتی طلب امتحان پس داده، سازگارا از بنیان گذاران سپاه پاسداران و اصلاح طلب های رانده شده از قدرت مثل گنجی ها و ملی اسلامیهها، لیبرالها و در کردستان هم دو شاخه حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان خبات، و کردهای درون حکومت مثل جلالی زاده و جریانی مفتی زاده از فامیلهای قدیمی خود و نیروهای سنی سلفی های امروزی و غیره هستند.

اولین سوالی به مغز خواننده رجوع میکند و باید فکر اساسی هم کند و جواب خودش را هم بگیرد، این است که آیا این "اپوزیسیون" مرتجع مورد نظر عبدالله مهدی که همه نوچه و مزدور هیئت حاکمه امریکا و یا عربستان و دولتهای ارتجاعی اند چه ربطی به زندگی نود درصد جامعه ایران دارند؟ در طول تاریخ بورژوازی غرب و امریکا و همچنین در تاریخ جامعه ایران تک تک این دولتها و نیروها همیشه دنبال منفعت طبقاتی خود بوده و هستند، همه یکجا ضد آزادی، ضد کارگر، ضد برابری زن و مرد، ضد رفاه همگانی، و ضد حق برابر شهروندی هستند. مگر همین غریبهها نبودند خمینی جلا را آوردند سر کار و انقلاب برحق مردم ایران که بر علیه حکومت دیکتاتور و دزد شاهنشاهی بود به بیراه کشیدند و شکستش دادند. بطور عیان تر مگر سلطنت طلبهای پرورش یافته دوران ساوک و زندان و میدان ژاله ها به اندازه همین جریان جانی اسلامی دولت در دست نداشتند؟ و یک سیستم وحشتناک "شاه سایه خدا است" را به ما در ایران تحمیل نکرده بودند؟، حالا چه شد اینها دوباره دمکرات و همقطاران کاسه لیسان امثال مهدی شده اند؟! چرا مردم به پا خواسته در سال ۵۷، به خصوص کارگران شرکت نفت و بقیه صنایع دیگر رژیم شاه را سرنگون کردند، اینکه جریان خمینی آمده دلیل بر اشتباه بودن نفس سرنگونی شاه نبود بلکه دلیل بر سیاستهای بود که دقیقاً مانند امروز آقای مهدی جریانات دیگری بودند رفتن زیر عیای خمینی و امریکا را گرفتند. همه نیروهای که امروز مهدی به آنها امید بسته است جز کمک کنندگان استقرار نظام خمینی کمپک زده بودند. من خودم یکی از شاهان زنده ان دوران هستم .

یادتان رفته زیر عکسهای شاه نوشته شده بود شاه سایه خداست. سرکوب، زندان، زوگوئی، قلداری، رشوه خواری، چاپلوسی، زدبیهای خانواده سلطنتی و اطرافینش فراموش نشده است. سرکوب روزنامه ها و اعمال اختناق پلیسی و جنایتهای ساواک در حق مخالفین سیاسی به خصوص در مورد کمونیستهای ان زمان فراموش نمیشود.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

از رویاهای ضد انقلابی عبدالله مهندی تا...

برایتان "بروریزی" است!

فکر میکنی بقیه احزاب تا این حد سطح شعورشان پائین است گوش به هذیانگویی و نقشه های شوم و قدرت طلبانه کسی مثل تو بدهند؟ بعید است چنین اتفاقی به افتد حتی اگر ده بار هم با مقامات امریکائی و قدیم پاسدارها عکس بگیری و ژست دیپلماسی بگیری!!

برایت متاسفم عبدالله مهندی که کجا بودید و الان از کجا سر در آوردید. متاسفم که از هر سوی بوی قدرت طلبی و دزدی و ترور به مشامتان میرسد باد به آنسو هدایت تان میکند. آقای مهندی! به نظر من تو دیگر سیاسی نیستی! بلکه دلال سیاسی هستی! دوست نداشتم این جمله برایت به کار ببرم اما پراتیک و عملکرد خودت بیانگر این حرف من است. دیگر تو هیچی برایت مهم نیست، ان چیزی برای تو مهم است قدرت و ثروت میباشد. تو و سازمان متبوع شما ربطی به کارگران و محرومان جامعه کردستان ندارید و باید بدانی هرگز در کردستان ایران به تحت و تاج عقب مانده ملی گرایانه و مذهبی نخواهید رسید، جامعه تو را نمی پذیرد! ما نمی گذاریم!

آقای مهندی تو خودت هم می دانید که حتی بی ربطی به مسئله ملی و یا رفع ستم ملی. شما فقط یک دکان سیاسی به این مناسبت باز کرده اید تا با این بهانه منفعت و موقعیت خود را تأمین نمائید. شما توان حل مسئله ملی و کورد را هم ندارید، مانند همقطاران تان در عراق جز دزدی و ترور و قدرت قبضه کردن و شریک شدن با انواع قاسم سلیمانی ها هیچ نقش مثبتی برای پایان دادن به کشمکش ملی هم نخواهید داشت. خود شما بخشی از این زخم و مانع سر راه حل مسئله کرد و جزئی از جنبش ارتجاعی سرمایه داران هستید. اینها برای تو وسیله ای است برای اینکه برسید به هدف شخصی خودت. افتخار تو مردم کردستان نیست! عوامفریبی میکنی! افتخار شما عکس گرفتن با وزیر امور خارجه امریکا و مقامات دولتها و گنجی و سازگارا و مجاهدین و بازماندگان شاه و دیگر مرتجعین میباشد.

آقای مهندی واقعیت این است که سازمان تو با ادرس و اسم جعلی که با خود پدک میکشد در کردستان جای پای نمیتواند داشته باشد! واقعیت این است شما بدون همراهی دولتها و جریانهای ارتجاعی و فاسد یک قدم نمی توانی نقشی در جامعه داشته باشید. تعدادی شاید مثل فرد با تو همراهی کنند چون اهل پول در آوردن و ریا و خودستایی پوچ هستی. اما در تحولات آینده حتی بخشی از اینها پشتت را خالی میکنند و صف خودشان را از تو جدا میکنند. یا به طرف ماکمونیستها میایند و یا به طرف حزب دمکرات خواهند رفت. تو این وسط فقط یک مزاحم و توطئه گر بی معنی و مزاحم باقی می مانی! اما به زودی از دور خارج میشوی!

در آخر هم یک فراخوان دارم خیلی صمیمانه و رفیقانه برای ان کسانی که در صف عبدالله مهندی و عمر علیخانیزاده هستند. توصیه میکنم صف اینها را ترک کنید. من میدانم از رژیم جمهوری اسلامی نفرت عمیق دارید. من میفهم مبارزه را دوست دارید. من میفهم ارزوی یک نیای بهتر برای خودتان و فرزندان تان دارید. من میفهم رفع ستم ملی در کردستان باید برای همیشه از این همه ظلم و زور نجات پیدا کند. اما این را از من بشویند سازمان قوم پرستان عبدالله مهندی ها ربطی به ارزو و هدف شما ندارد. برعکس اینها شما را قربانی میکنند دستتان را بخون کسانی که نباید رنگین باشد رنگین میکنند و شریک جرم و جنایت خودتان میکنند، این جریان به یک جریان سنایور سیاه تعقل دارد راه خود را جدا کنید! و با افتخار سرتان را بالا بگیرید!

بباید به صفوف کمونیستها که در طول مبارزاتشان به خصوص در ایران با هیچ جریانی که دشمن طبقه کارگر و محرومان و زنان اسلام زده باشد سازش نکرده اند، در طول این چهل سال پرونده شان خیلی روشن و شفاف است. بباید به صف حزب سوسیالیست انقلابی ایران بیونید تا همراه با طبقه و جنبشمان جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و یک دنیای آزاد و برابر برای خودمان و آیندگان روی خرابه های نظام کثیف و استثمارگر سرمایه داری حکومت اسلامی بسازیم. زنده باد دنیای آزاد و برابر، زنده باد سوسیالیسم!

نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"بباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاد، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، کم زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هويت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هموعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسروشوی تآ کونی خود نمایند، اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی بی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و منزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتواند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریوی سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو پا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنرا دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاخداری هستند که شایدان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنرا بخورد طرفداران نامسول چنین سناریوی میدهند.

ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهیم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخوایم آلترناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شونیستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخوایم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به مبارزه قاطع برخیزند!" منبع: شماره ۵۲ نشریه سوسیالیسم امروز ۲۶ خرداد۱۳۹۷ / ۱۶ ژوئن ۲۰۱۸

www.simroz.org Z_zijj@yahoo.se

| | | | |
|---|--|--|---|
|  | iransocialist2017@gmail.com | www.simroz.org |  |
| ۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱ / ۰۰۴۷۹۲۸۱۳۷۷ / ۰۰۴۶۷۲۲۳۹۶۸۳ | | | |
| <p>حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبی ضرورت اولیه سازماندهی جنبش حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.</p> <p>حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!</p> <p>حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میداین شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.</p> <p>از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.</p> <p>زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!</p> | | | |

اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



تجمع اعتراضی اتحاد سراسری بازنشستگان ایران و بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز سه شنبه یازدهم دی ماه، بنا به فراخوان شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

و بازنشستگان تأمین اجتماعی جمعیت کثیری از بازنشستگان در تهران و چند شهر دیگر برای پیگیری مطالبات خود تجمع‌های اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان تهران که در برابر ساختمان مجلس اسلامی تجمع کرده بودند علیه بی توجهی دولت به تأمین معیشت و زندگی و سلامت بازنشستگان در طرح بودجه سال ۱۳۹۸ اعتراض کردند. شرکت کنندگان در این تجمع‌های اعتراضی با شعارهای "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض"، "برای رفع تبعیض ما همه باهم هستیم"، "تورم، گرانی، جواب بده روحانی"، "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "حکومت فقر و دزد و چپاول نمیخوایم" خشم و انزجار خود را از حکومت فساد و فقر و فلاکت ابراز داشتند. بازنشستگان همچنین با سردادن شعار "دانشجو، معلم، کارگر، اتحاد اتحاد" بر پیوند و همبستگی جنبش‌های پیشرو اجتماعی تأکید کردند و با فریاد "تا حق خود نگیریم، از پای نمی‌نشینیم"، عزم و اراده خود را برای پیگیری مطالباتشان اعلام نمودند.

فرسودگی ناوگان حمل و نقل، فاجعه مرگبار در دانشگاه

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی بیانیه‌یی سیاست‌های غلط حمل و نقل رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرد و نسبت به تکرار حوادثی شبیه واژگون شدن اتوبوس حامل دانشجویان دانشگاه آزاد هشدار داد.

در قسمتی از این بیانیه آمده است:

در حال حاضر اتوبوس‌هایی که در کلان شهر تهران فعالیت می‌کنند به دلیل سوء مدیریت، در بدترین وضعیت ممکن قرار دارند و حتی اتوبوس‌ها با وجود پارگی لاستیک و فرسودگی هشتاد درصدی لاستیک در حال جابه‌جایی مسافر هستند و متأسفانه هر لحظه ممکن است سانحه دلخراشی روی دهد.

پنجمین دور اعتصاب رانندگان کامیون

پنجمین دور اعتصاب رانندگان کامیون که از تاریخ اول دی ۹۷ به مدت ۱۰ روز آغاز شده بود و در انتهای روز دهم به پایان رسیده بود، باعث واکنش رژیم و حضور وزیر راه در پاسخگویی به خواسته‌های رانندگان کامیون شد.

اعتصاب اخیر رانندگان کامیون بیش از ۶۱ شهر و ۲۷ استان کشور را فراگرفت که سرانجام توانست به پیروزی دست بیابد.

وزیر راه با اشاره به پوشش بیمه و تأمین اجتماعی رانندگان گفت:

از حدود ۹۰۰ هزار نفر راننده حمل و نقل جاده‌ای و درون‌شهری، سازمان تأمین اجتماعی بیش از ۸۰۰ هزار نفر را تحت پوشش قرار داده است و باقی رانندگان هم در حال تشکیل پرونده و سیر مراحل قانونی هستند.

تظاهرات کشاورزان در اصفهان و بازنشستگان در تهران و مشهد

روز چهارشنبه ۱۲ دی بازنشستگان در تهران و مشهد و کشاورزان در اصفهان در اعتراض به ظلم و ستم رژیم و وضعیت وخیم معیشتی خود و عملی نشدن وعده‌های فریبکارانه رژیم دست به تظاهرات زدند.

اخبار و گزارشات این هفته را با نرخ بیکاری در ایران آغاز میکنیم. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از نتایج طرح آمارگیری نیروی در پاییز سال ۱۳۹۷، نرخ بیکاری در ایران به ۱۱ و ۷ درصد رسید. بر اساس این آمار نسبت به فصل پاییز سال گذشته جمعیت بیکار ایران با ۵۶ هزار و ۳۷۴ نفر افزایش به سه میلیون و ۱۵۹ هزار نفر رسیده است. مرکز آمار می‌گوید نرخ مشارکت مردان در پاییز سال گذشته ۶۴ درصد و نرخ مشارکت زنان ۱۵،۶ درصد بوده که این نرخ در پاییز امسال به ۶۴،۴ درصد در مردان و به ۱۶،۴ درصد در زنان افزایش یافته است. در ایران مراکز مستقل آمارگیری وجود ندارد و تنها مراکز دولتی و حکومتی مجاز به ارائه آمار از وضعیت اقتصادی کشور هستند در نتیجه نرخ بیکار در کشور بسیار بیشتر از این رقم است.

شکست عملی انتخابات تحمیلی شورای اسلامی کار در شرکت نیشکر هفت تپه

روز دوشنبه ۱۰ دیماه، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با عدم شرکت گسترده در انتخابات شورای اسلامی کار یک "نه بزرگ" به این تشکل دست ساز و حکومتی گفتند. علیرغم تلاش مسئولین اداره کار و نهادهای امنیتی برای شرکت کارگران نیشکر هفت تپه در انتخابات شورای اسلامی کار و به رغم حضور چشمگیر آنان در شرکت، ولی این انتخابات با واکنش سرد و ایستادگی اکثریت کارگران مواجه شد. به گفته کارگران این شکستی عملی برای انتخابات تحمیلی شورای اسلامی کار بود.

مصدومیت ۶ کارگر شرکت فولاد یزد

روز سه شنبه ۱۱ دیماه در جریان وقوع یک انفجار در شرکت فولاد استان یزد، شش کارگر به شدت زخمی شدند.

بر پایه این گزارش، به دلیل نبود امکانات ایمنی لازم در محل کار، یکی از کوره‌های این کارخانه دچار انفجار شد و در جریان این انفجار چندین کارگر که مشغول کار بودند دچار حادثه شدند. گفته میشود یکی از کارگران دچار سوختگی بالای ۶۰ درصد شد اما از حال ۵ مصدوم دیگر گزارشی منتشر نشده است.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران و مردم

صبح روز دوشنبه دهم دیماه تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه تهران و مردم معترض علیرغم به میدان آمدن تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر رژیم در میدان و خیابان انقلاب مقابل دانشگاه تهران به تجمع اعتراضی دست زدند. این تجمع در ادامه و در پشتیبانی از اعتراضات سه روز دانشجویان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد به جانب‌اختن ده تن و زخمی شدند ۲۸ نفر دیگر از همکلاسی هایشان برگزار گردید. این حادثه دردناک روز سه شنبه چهارم دیماه بر اثر واژگون شدن اتوبوسی که به اعتراف رئیس راهنمایی و رانندگی از سال ۱۳۹۱ فرسوده و از رده خارج بوده اما برای حمل و نقل دانشجویان از جاده مرتفع و پرخطر دانشگاه آزاد از جانب مسئولان در نظر گرفته شده بود اتفاق افتاد.

هم زمان با این تظاهرات، ۵۰۰ نفر از دانشجویان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد نیز با وجود برکنار شدن پنج تن از معاونان و مدیران دانشگاه از سوی رژیم به منظور قانع کردن دانشجویان، برای سومین روز متوالی در مقابل دفتر کار ولایتی رئیس هیأت امنای این دانشگاه تجمع کردند.

گزارش و اخبار

در تهران گروه کثیری از بازنشستگان در مقابل مجلس تجمع کردند. آن‌ها شعار می‌دادند: بازنشسته به‌پا خیز، علیه ظلم و تبعیض؛ دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند؛ معلم زندانی آزاد باید گردد؛ زندانی سیاسی آزاد باید گردد؛ کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد؛ ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه؛ ما همه با هم هستیم؛ تورم، گرانی، جواب بده روحانی؛ همزمان در مشهد نیز بازنشستگان تجمع کردند و خواستار مطالبات برحق خود شدند.

در اصفهان هزاران تن از کشاورزان محروم در پل خواجه و بستر رودخانه خشک شده زاینده رود تجمع کردند. آن‌ها خواستار حق‌آبه خود و باز کردن آب به زاینده رود شدند و به عملی نشدن وعده‌های فریبکارانه رژیم اعتراض کردند. معترضان که زنان در آن حضور چشمگیری داشتند، در محاصره نیروهای سرکوبگر و با عقب راندن صفوف فشرده مزدوران، به سمت ۳۳ پل راهپیمایی کردند. شماری از معترضان با نشستن در کف خیابان، از پیشروی نیروهای ضدشورش جلوگیری کردند. شماری از کشاورزان نیز از خوراسگان به سمت پل خواجه راهپیمایی کردند.

مأموران امنیتی تجمع کشاورزان اصفهان را به خشونت کشاندند

کشاورزان معترض اصفهان در اعتراض به دریافت نکردن حق‌آبه خود در پل خواجه اصفهان تجمع کردند و شعارهایی علیه وضع موجود و مسئولان حکومتی سر دادند. نیروهای امنیتی که شمار آن‌ها زیاد بود برای پراکنده کردن کشاورزان تیره‌وایی شلیک کردند و آن‌ها را کتک زدند. یکی از نمایندگان اصفهان در مجلس می‌گوید دولت، وزارت اطلاعات و شورای امنیت ملی کشور مسائل مربوط به استان اصفهان را امنیتی کرده‌اند.

اخراج کارگران صنایع خودرو سازی

ماهانه ۲۵ کارگر شرکت صنایع ماشین ابزار ایرانخودرو اخراج میشوند. مدتهاست اخبار رسمی فراوانی حول بحران در صنایع خودرو سازی و در معرض اخراج قرار گرفتن صدها هزار کارگر این صنعت بزرگ در رسانه‌های خبری جاریست، اما بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران این اخراجها از ماهها پیش در سکوت خبری در حال انجام است. از خرداد ماه سالجاری تاکنون در یک حرکت برنامه ریزی شده در شرکت صنایع ماشین ابزار ایرانخودرو، هر ماهه ۲۵ کارگر با اتمام قرارداد اخراج شده‌اند و قرار است این اخراجها تا پایان سال طبق برنامه ادامه یابد.

تبدیل گروه ملی صنعتی فولاد به پادگان نظامی و بازداشت محمدرضا نعمت پور

در پی تجمع روز ۱۱ دی ماه جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در مقابل مدیریت شرکت برای آزادی همکاران زندانی شان، مأمورین امنیتی با یورش به منزل محمد رضا نعمت پور اقدام به بازداشت این کارگر معترض کردند و او را پس از بازداشت به شعبه بیستم دادگاه انقلاب اهواز و سپس مستقیماً به زندان شیبان منتقل کردند. محمد رضا نعمت پور در حالی بازداشت شده‌است که روز چهارشنبه در مقابل ساختمان مدیریت شرکت در برابر تهدید به بازداشت رئیس جدید حراست شرکت مقاومت کرده و به همراه دیگر تجمع کنندگان خواهان آزادی هفت همکار زندانی خود شده بود.

کشته و زخمی شدن یازده تن در حادثه واژگونی یک اتوبوس

روز پنجشنبه ۱۳ دیماه، در پی واژگون شدن یک دستگاه اتوبوس مسیر تهران- کرمانشاه، متأسفانه یازده تن کشته و زخمی شدند. ظهر روز پنجشنبه اتوبوس مسافری تهران، کرمانشاه در کیلومتر ۴۰ اتوبان ساوه-همدان واژگون شد و در این حادثه متأسفانه ۳ تن از مسافران این اتوبوس جان خود را از دست دادند و ۸ نفر دیگر نیز زخمی شدند، زخمی شدگان توسط تیم‌های امدادی به مراکز درمانی انتقال داده شدند.

اعتصاب غذای نازنین زاغری و نرگس محمدی

نرگس محمدی و نازنین زاغری زندانیان سیاسی، در نامه‌ای مشترک اعلام کرده‌اند، در اعتراض به نحوه رسیدگی به وضعیت درمانی خود در زندان دست به سه روز اعتصاب غذا خواهند زد. این دو زندانی سیاسی در نامه خود گفته‌اند، برخورداری از حق دسترسی به پزشک معالج و دارو و درمان از جمله حقوق مندرج و بدیهی در اعلامیه‌ها و آیین‌نامه‌های بین‌المللی و داخلی است که مدت‌هاست علی‌رغم درخواست‌های مکرر و مراجعاتشان به مسئولان مربوطه، از آن محروم شده‌اند.

اسدبیکگی مدیرعامل خودی هفت تپه با ۹۸ میلیون دلار ارز دولتی فرار کرد

اسدبیکگی مدیرعامل هفت‌تپه که می‌گفت «اجازه نخواهیم داد وجبی از این خاک به غیر از ایجاد رفاه و توسعه برای مردم، در مسیر دیگری قرار گیرد»، تنها در یک فقره از تخلفاتش، با جعل برگه‌های توجیهی اخذ ارز دولتی، ۹۸ میلیون دلار را گذاشت جیبش و فرار کرد. امیداسدبیکگی مدیرعامل پیشین نیشکر هفت تپه که چندماه پیش به کارگران بیچاره گفت دست در دست هم زیر سایه نظام بمانیم با میلیاردها تومان از پول کارگران متواری شد. در دادگاه رئیس حراست بانک مرکزی گفته شد با همکاری امید اسدبیکگی ۹۸ میلیون دلار ارز از دولت دریافت شده و با نرخ آزاد در بازار فروخته‌اند و سودش را به جیب زده‌اند. ۹۸ میلیون دلار! امید اسدبیکگی مالک #هفت‌تپه است که رییس خصوصی‌سازی تمام قد از او دفاع کرده است.

| | | |
|--|-------------------------------|---|
|  | درخواست عضویت از حزب |  |
| فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران | | |
| نام : | | |
| نام خانوادگی : | | |
| محل سکونت : | | |
| شغل : | | |
| علل پیوستن به حزب : | | |
| سابقه فعالیت سیاسی : | | |
| در چه زمینه‌ای علاقه‌مند به فعالیت هستید؟ | | |
| آیا کسی را درصوف حزب می‌شناسید؟ | | |
| تلفن : | | |
| ای میل : | | |
| اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می‌نمایم. متعهد میشوم که منطبقاً به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمویه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم. | | |
| امضاء... تاریخ... | | |
| www.simroz.org | آدرس مایل ارسال درخواست عضویت | iransocialist2017@gmail.com |

به روایت تصویر: مبارزه کارگران و آزادیخواهان و چند اتفاق مهم دیگر در هفته ی که گذشت

کارگران شهر داری سر بندر برای چندمین جهت در یافت حقوق عقب مانده خود دست به اعتراض زدند



امروز چهارشنبه ۱۲ دیماه ۹۷، همزمان با تهران، جمعی از بازنشستگان کشوری در مشهد مقابل صندوق بازنشستگی این شهر تجمع کردند.

هم اکنون اصفهان-ورزنامه پنج شنبه ۱۳دی۹۷ راهبیمایی اعتراضی کشاورزان ورز نه که خواستار احیای زاینده رود و تامین حقابه میباشند

با شعار: مرگ بر روحانی دروغی مسول اگه ندارین، برین قبرس بیارین ای مردم ورز نه، مسول ما زر زنه! مردم نیگه بیدارن، از وعده ها بیزارن درود بر کشاورز، مرگ بر ستمگر همشهری با غیرت، اتحاد اتحاد #زاینده_رود_ما_کو!



بازداشت ۳ فعال محیط زیست در شهر کامیاران

جمع هزاران نفره دانشجویان در میدان دانش دانشگاه علوم و تحقیقات با شعار «ولایتی، ولایتی، مسول این جنایتی».

۸دی۹۷ #حمایت_بِراسری_از_جنش_دانشجویی anjomanbfk@



کارگر زندانی آزاد باید گردد!، استثمار، بیکاری، پرچم سرمایه داری!

پسا سایکس پیکو در خاورمیانه گذری بر تحولات منطقه ، ایران ، کردستان

زاگرس ابراهیمی



از جمله اینکه در استراتژی ایران به
عکس ترکیه ، ایران بخشی از
"پدیده کورد" را مانند ابزار
مهمی در استراتژی منطقه ای خود
قرار داده است و روزانه در رسانه
های آن کشور شاهد آن هستیم که

حتی زمانی که صحبت از کورد عراق یا سوریه به میان می آید آن را به
ادبیات خاصی نام میبرد. گویا اکنون نیز در همان دوران صفوی قرا
ر دارند؛ برای مثال امسال بعد از تعیین دکتر برهم صالح برای پست ری
است جمهوری عراق رسانه های ایرانی او را به عنوان کورد ایرانی تبا
ر عراقی نام میبردند! و همین امر یعنی کارت اسلام شیعه و کورد در
استراتژی ایران سبب شده است که در کشور عراق و سوریه نسبت به ت
رکیه و آمریکا و عربستان و دیگر بازیگران منطقه پیشرفت چشم گیر ت
ری از لحاظ نفوذ و سلطه و تشکیل نیروی های نظامی
سرکوبگر و سیاسی منسجم بومی در این کشورها نسبت به دیگر بازیگر
ران منطقه ای و جهانی را داشته که توازن قدرت در منطقه را به سو
د ایران تغییر دهد.

همین گسترش نفوذ سبب آن شده است که توسط آمریکا مورد تحریم های
ی قرار گیرد که به گفته خود دولت مردان آمریکایی تحریم های که علیه ا
یران اعمال شده است در تاریخ جهان بی سابقه بوده است بنابراین کار
ت برنده ایران در این معادلات آن است که بر عکس حضور نظامی مستق
یم آمریکا برای اعمال سلطه ایران از خود نیروهای بومی آن کشور است
فاده و حمایت میکند. اما باید یاد آور گردید که رژیم ایران بخشی از
گسترش نیرو و قدرت و دخالتش در منطقه به قیمت سرکوب و به گرو
گرفتن نان سفره دهها میلیون کارگر و انسان زحمتکش در داخل ایران
تمام گردیده است، که اکنون همین قربانیان اجتماعی سیاسی و اقتصادی
دست رژیم اسلام. آن حکومت را با وجود گسترش نفوذش در منطقه به
چالش و بحران بسیار جدی و کم سابقه ای مواجه کرده است، اگر این
مبارزات گسترش بیشتر پیدا کند و روند سرنگونی رژیم برای حاکمیت
خطر آفرینتر باشد، کارت و حربه "کوردها" نیز خاصیت خود را برای
حکومت ایران از دست خواهد داد و حتی نتیجه معکوس برای آنها
خواهد داشت.

اسرائیل : اسرائیل دیگر بازیگر منطقه ای در جریان تحولات سوریه و
منطقه بر عکس ترکیه و ایران و دیگر قدرت ها شرایطی کاملاً بر عکس
ی دارد. بر عکس این کشورها که در صدد گسترش نفوذ و جغرافیای سی
اسی خود هستند اسرائیل موجودیت خود را در خطر میبیند. زیرا از طر
فی در جریان تحولات سوریه و مشارکت حزب الله لبنان در این اوضا
ع و حضور نظامی گروه های نظامی وابسته به ایران و خود ایران
در داخل سوریه و استقرار آنها در همجواری با مرز های اسرائیل سبب
آن شده است که خواه ناخواه وارد این بازی منطقه ای شود و برای حف
ظ موجودیت خود از بیم ایران و حزب الله لبنان و وضعیت حل نشده فل
سطین دست به تحرکات نظامی بر علیه
این نیروها بزند و در صدد آن است که افکار جامعه جهانی را بر علیه
حضور حزب الله لبنان و بخصوص ایران را جلب کند. اما تا به حال با
تمام تلاشی که در جامعه جهانی و حتی اقدامات نظامی تحریک آمیزی ک
ه به سر آمده

ایران در سوریه داشته است موفق با این کار نشده است. حتی با حملات
مکرر به مواضع حزب الله و نیروهای تحت فرمان ایران در صدد این
بود ایران را تحریک کند که در نهایت ایران با اسرائیل وارد یک جنگ م
حدود شود و اوضاع را بر نفع خود تغییر دهد اما تا به کنون موفق نشده
است که تغییرات

در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ (۶ بهمن ۱۳۸۹) یک سری تظاهرات گست
رده که تأثیر گرفته از تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه موسوم به بهار
عربی بود در سوریه به وقوع پیوست که جرقه یا استارت تحولات و نا
ارامی های ه
داخل سوریه را کلید زد و سرنوشت مردم سوریه را به امروزی که در
آن گرفتار شده است تبدیل کرد. بهار عربی که به جایی بهار زمستانی
سخت برای مردمان این سرزمین شکل داد و در نهایت خاک سوریه میدا
ن زور آزمایی قدرتهای منطقه ای اعم از ایران و ترکیه و عربستان و ا
سرائیل و کشورهای فرانطقه ای مانند آمریکا و فرانسه و روسیه شد د
ر این میان هر کدام از کشورهای بازیگر در داخل سوریه برای تأمین
منافع خود اقدام به
تشکیل یا حمایت گروه های نظامی نیابتی و حتی اقدامات مستقیم و ح
ضور فیزیکی خود در داخل سوریه را انجامید که در این مقاله میخواهم
به استراتژی این کشورها و اینکه هر کدام تا چه حد توانسته اند به هدف
ی که داشته اند نزدیک تر شوند می پردازم.

ترکیه : ترکیه که اکنون نیز مانند دوران عثمانی خود را پرچم دار مسلم
انان سنی میداند و رقابت تنگاتنگی نیز با عربستان سعودی بر سر ادعا
ی پرچم دار بودن مسلمانان سنی در جهان و منطقه را داراست شرایط
ب
مقداری دشوار تر است زیرا از لحاظ استراتژی رقیب فکری در منطقه
ه دارد که شرایط ترویج تفکر خود و پرچم دار شدن مسلمانان سنی را ب
رایش دشوار تر کرده است ترکیه تمام مناطقی که در زمان عثمانی جزئ
ی از امپراتوری عثمانی را تشکیل داده اند را اکنون نیز جزء جغرافیای
سیاسی خود به حساب می آورد و در تلاش است که

ترکیه امروزی را به همان جغرافیای سیاسی برگرداند. به همین خاطر
سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته است، هم میخواهد با اروپا و
امریکا رابطه حسنه ای داشته باشد و هم با ایران و روسیه؛ در این میان
تا چه حد میتواند در برقراری این توازن موفق باشد این موضوع را می
وان بعد از حل شدن وضعیت کنونی کشورسوریه

دید
، ترکیه طی توافقاتی با دولت های روسیه و ایران بر سر مسائل سوریه
در صدد منحل کردن پارت اتحادیه دمکراتیک (پ ی د) است و آنها ر
ا تهدید بزرگی بر علیه امنیت ملی خود قلمداد میکند و با حمایت از گروه
های اسلامگرای سنی در خاک سوریه خواهان به کنترل در آوردن بخ
ش های از خاک سوریه در همجواری با مرزهای خود است اما به نظر
من ترکیه از جمله کشورهای است که بعد از این تغییرات و توازن قدر
ت در منطقه سرش بی کلاه خواهد ماند زیرا بزرگ ترین مسئله بر سر
راه

بلند پروازی های ترکیه در سوریه این است که هم ایران و هم روسیه
طی توافقاتی که با ترکیه داشته اند هر دو تأکید بر حفظ تمامیت ارضی
سوریه و حمایت از دولت بشار اسد بر منسب قدرت را جزئی از توافقا
ت خود با دولت ترکیه میدادند و شخص بشار اسد حتی قبل از شروع نا
ارامی های به وجود آمده از لحاظ سیاسی روابط خوبی با ترکیه را دارا
ن
بوده است و به
عنوان نه ایران و روسیه و سوریه خواهان تجزیه یا تقسیم قدرت در آید
ده سوریه نیستند و آن را خط قرمز خود خطاب کرده اند!

ایران : ایران هم بعد از سقوط حکومت صدام حسین راه برای گسترش
نفوذش در منطقه باز شد و در تلاش است که نفوذ منطقه ای خود را ه
رچه بیشتر گسترش دهد و جغرافیای سیاسی که در زمان امپراتوری
صفویان را دارا بوده است را دوباره تصاحب کند اما با پرچم اسلام شیعه
ه و کارت های دیگری که در دست دارد ،

پسا سايكس پيكو ...

دست آورد هاي چشمگيري در سوریه و اوضاع منطقه اي را به دست آورد به جز آن که با حملات هاي هوايي و موشكي هر چند وقت يك بار نيروها و انبار مهمات و تسليحات اين نيروها را مورد هدف قرار دهد که همین امر نیز سبب آن شده بود که ایران از کارت فشارهاي خود به ر عليه اسرائيل استفاده کند و جنگ دو روزه اي ميان فلسطين و اسرائيل اتفاق افتد که

فورا با آتش بس طرفين موضوع خاتمه يافت و با قبول آتش بس از طرف اسرائيل باعث استعفاي وزير دفاع آن کشور شد .

روسیه : روسیه که بعد از فروپاشي دوران شوروي از لحاظ قدرت منطفه اي مدت ها بود که ميدان را براي رقيباني خود خالي کرده بود حال با کشمکمی از تا سوریه و منطقه شروع کرد و تقابلهای علنی عليه قدرت امريکا به دنبال محقق کردن تبديل شدن به ابر قدرتی جهانی و در اين راستا پروژه اي به نام اورواسيا است. که در اين ميان هم درصدد آن بود که به هر نحوي که شده است دولت ترکیه را نیز با خود همراه سازد و با همياري ايران و دولت بشار

اسد در سوریه مستقر شود. هر چند منفعت اقتصادي سرمايه داران هر گز مسله دين و مسلمان و غير مسلمان در نظر نمی گيرد، همچنانکه عربستان مسلمان نوچه امريکا است، روسیه هم در اين کشمکش جهانی توانست ايران اسلامی را زیر سایه خود بگشود و از آن بهره نیز بگيرد. به نظر من روسیه بدون همکاري ايران هرگز موفق به اين امر نميشد که آنچنان که امروز شاهد آن هستيم پايش به سوریه باز شود و قرار داد ۷۵ ساله حضور نظامي در آن کشور را به امضاء برساند. اما نکته حائز اهميت اينجاست که در نهايت نمیتواند به خاطر ثبات سوریه بي طرفي خود در بين ايران و اسرائيل را حفظ کند و بالاخره

بايد ميان اين دو کشور يکي را انتخاب کند که در اين روزها هر چند تا به حال هيچ واکنشي نسبت به حملات اسرائيل به داخل خاک سوریه را در پيش نگرفته بود اما در اين روزهاي اخير شاهد آن بوديم که وزارت خارجه رسما از حملات هوايي اسرائيل انتقاد کرد و آن را محکوم کرد که اين موضوع نیز نشان دهنده آن است که در نهايت روسیه براي پيشبرد سياست خود خواستار ثبات اين کشور باشد و بايد موضع مشخصي در ر قبال مسئله حملات

اسرائيل و موضوع ايران در سوریه را در پيش گيرد که به نظر من در نهايت با ميانجگري روسیه يا توافقي مابين ايران و اسرائيل امضاء مي شود يا با فعال کردن سيستم هاي دفاع موشكي مانع از حملات اسرائيل به داخل خاک

سوریه ميشود. اما روسیه طمع او فقط در سوریه خاتمه نيافته است در اين روزها شاهد آن بوديم که با حمايت کامل از محمد بن سلمان درصدد آن است مسير روابط عربستان با امريکا را نیز به سمت خود تغيير دهد و چشم طمع

خود را به سمت عربستان سعودي نیز بدوزد. اما به نظر من در اين مسئله نمیتواند

مرتکب اشتباهات استراتژيکي شود زیرا امريکا به هيچ عنوان در مسئله عربستان مانند سوریه کوتاه نمي آيد. و با تمام توان از نفوذ و سلطه خود در عربستان سعودي حمايت ميکند

امريکا : امريکا که خود سهم بزرگي در تداخل و بهره گيري از

پديده بهار عربي و تبديل آن به جنگ و لشکر کشي در منطقه را داشت، با محاسبات غلط در مورد سوریه و نادیده گرفتن حمايت هاي ايران و روسیه از اين کشور وارد بازي پر هزينه اي شد که ه مانندليبی و مصر و ...

حکومت پسا بشار اسد نیز تحت کنترل آن دولت باشد. اما حمايت هاي ه مه جانبه ايران و روسیه و حتي کوردهاي سوریه از بشار اسد باعث آن شد که بشار اسد همچنان که شاهد هستيم باز در قدرت بماند و بر عليه گروه هاي اسلام گراي تند رويي که در آن کشور جولان ميدانند و تحت حمايت امريکا و جبهه متشکل آن از اسرائيل و عربستان و امارات و حت

ي ترکیه نیز به موفقيت هاي چشمگيري دست نيابند و دولت سوریه موفق شد دوباره بسياري از نقاط تحت کنترل آن گروه ها را پس گيرد. و آشد تباه استراتژيکي امريکا در مورد سوریه اين بود که بر باور غلط آنها سوريه نیز مانند مصر و ليبيا بدون حمايت کشور خاصي سرنگون ميشود و نقش قدرتهاي منطقه اي در سوریه را نادیده گرفتند. بر عکس آنچه که

همه تصور آن را داشتند نيروهاي کورد سوریه موصوم به پي دي در ميان راه هم پيماني با بشار اسد را به پايان رساندند و با جبهه غرب هم پيمان شدند که امريکا رهبري آن را به عهده دارد حمايت امريکا

از پي دي ديگر اشتباه محاسباتي امريکا بود زیرا ترکیه دشمن سر سخ ت آنان بود و همین امر هم باعث تيرگي هر چه بيشتر در روابط ترکیه با امريکا شد که در نهايت امريکا را در وضعي قرار ميداد که بايد ميان اين دو يکي را انتخاب کند و در نهايت همچنان که شاهد هستيم با اعلام خروج نيروهاي امريکايي از سوریه و ادامه رابطه با ترکیه را نسبت به ه کورد هاي سوریه ترجيح داد و تنها مناطقي که تحت کنترل امريکا در سوریه بود را ناچاراً از دست داد.

عراق : عراق بعد صدام حسين همچنان که همه ما شاهد آن هستيم در تحت سلطه دو کشور يعني امريکا و ايران به سر ميبرد و در اين ميان خ ود استقلال سياسي و نقشي در تغييرات منطقه اي آنچنان که بايد داشته باشد را ندارد بلکه بر عکس خود بعد از حمله گروه موسوم به دولت اسلام ي (داعش) در معرض تجزيه قرار گرفت و بهترين و تنها ترين نقشي که ميتوانست ايفا کند آن بود که يك پارچگي خاک عراق را حفظ کند و به اين گروه مقابله کند. عراق بعد اين اتفاقات نیز شاهد تغييرات اساسي در نوع حاکميت خود شد، از جمله اين تغييرات را ميتوان به وجود آمدن نيروي نظامي منسجم به نام حشد شعبي را نام برد که تشکيل اين نيروه ا همراه بود با فترتي مرجعشيعيان در نجف و حمايت کامل ايران از اين نيروها که همین امر نیز باز بالانس قدرت در عراق را مابين امريکا و ايران به نفع ايران تمام کرد. زیرا امريکا تمام تلاش خود را براي منحل کردن اين نيروها انجام داد اما آنچنانکه شاهد هستيم بر عکس آنچه که امريکا براي آن تلاش کرد حتي حشد شعبي به عنوان يك حزب سياسي به پارلمان اين کشور نفوذ کرد، که همین امر نیز باعث هر چه بيشتر موضع هاي ضد امريکايي در عراق کرد که حتي رئيس جمهور ايالات متحده بعد از سفر مخفيانه اش در عراق صراحتاً ا بين موضوع را بيان کرد که ما بعد از خرج هفت تریليون دلار در خاور ميانه بايد از بيم حملات نظامي مخفيانه به عراق سفر کنيم.

عربستان سعودي و امارات : عربستان سعودي و امارات هر دوي اين کشور ها مشخصاً در قبال تغييرات توازن قدرت در منطقه پيرو يك استراتژي هستند آنها قدرت گرفتن ايران در منطقه را تهديد بزرگي براي خود تلقی ميکنند و به خاطر همین امر نیز اختلافات تاريخي خود با اسرا ئيل را کنار گذاشتند و هر سه بعلاوه امريکا يك جبهه مشترک بر ضد تح ركات ايران در منطقه را تشکيل دادند که در واقع به وجود آمدن داعش را نیز ميتوان بخشي از سياست آنها بر عليه ايران رابراورد کرد زیرا تنها راه ممکن براي جلوگیری از تشکيل حلال شيعه در خاور ميانه را ، تشکيل يك دولت سني و تحت حمايت خود در سوریه و عراق را ميدان ستند که ارتباط ايران با سوریه و لبنان را قطع کند و به اين گونه از تهديد ايران بر عليه اسرائيل جلوگیری به عمل آيد و از لحاظ توازن ق درت ميان شيعه و سني ، سني دست بالا را کسب کند. اما با ورود روس به سوریه و همکاري با ايران و دخالت مستقيم نظامي خود ايران و تشکيل گروههاي نظامي شيعه در عراق و سوریه معادلات به نفع ايران تغيير يافت و در نهايت داعش و پروژه تشکيل دولت اسلامي سني به ش کست انجاميد .

از طرف ديگر همپيماني عربي در جنگ عليه يمن که با مشارکت مستق يم عربستان سعودي و امارات و حمايت لوجستيکي امريکا همراه بود، آ ن نیز طبق محاسبات اشتباهي که داشتند جنگ يمن نه چند هفته بلکه سال ها طول کشيد و در نهايت جامعه جهانی به خاطر به وجود آمدن قحطي و خطر مرگ هزاران کودک يمني صدايشان بلند شد و همین امر جبهه عربستان را واداشت که سعي بر حل مسئله يمن از راه مذاکره را در پي ش گيرند

اقليم کردستان عراق : حکومت اقليم کردستان عراق ديگر باز يگر منطقه ه اي که در اوایل هجوم پيکار جوانان اسلامي به شهر موصل عراق و به کنترل در آوردن شهرهاي مختلفی از عراق و تشکيل و اعلام دولت اسد لامي عراق و شام (داعش) بعد از عقب نشيني نيروهاي عراقي از کرکوک توانسته بود که کرکوک را تصاحب کند. بي طرفي خود در مقابله با داعش را اعلام کرد اما در داخل اقليم و ميان دو حزب حاکمه اختلافاتي بر سر مبارزه بر عليه اين گروه به وجود آمده بود به نحوي که پارت دمکرات کردستان خواهان اين بود که به هيچ عن وان تا داعش به مرز هاي تحت حاکميت ما حمله و هجوم نياورده باشد ما نبايد وارد جنگ با اين گروه شويم و اين مسئله را همانند اوپاما رئي س جمهور وقت امريکا به جنگ طائف و اختلافات عرب سني و عرب شيعه در عراق عنوان کرد و از هرگونه مداخله و جنگي بر عليه اين گ روه خود را به دور ميگرفت. اما اتحاديه ميهني کردستان خواهان هر چه

ه زودتر وارد عمل و جنگ با اين گروه شد. در نتيجه اين رویکرد ها اختلافاتي ميان دو حز ب حاکمه اقليم کردستان عراق به وجود آمد که در نهايت با هجوم پيکار جوانان داعش به شهرهاي مخمور و سنگال اقليم کردستان

پسا سايکس پیکو ...

به ناچار وارد فاز دفاع و جنگ بر علیه این گروه شد به نظر من استراتژی پارت دمکرات کردستان در اوایل این بود که با تشکیل داعش و حضور آنها در عراق در نهایت عراق تجزیه خواهد شد و آنها نیز به رویای چندین ساله خود یعنی تشکیل دولت کردستان خواهند رسید که همین موضوع هم بعد از شکست داعش در عراق بیشتر نمایان شد، به نحوی که اقلیم کردستان خواهان برگذاری فرماندوم برای استقلال شد که این مسئله مخالفت بخش عمده اتحادیه میهنی و همچنین دولت‌های منطقه را به همراه داشت، و حتی دولت‌هایی مانند ترکیه و ایران تهدید به بستن مرزهای بازرگانی و عکس العمل شدید تر در مقابل اقلیم کردستان را کردند. دولت عراق هم تهدید به لشکر کشی کرد و در نهایت در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ با حمله دولت عراق با همراهی هم ایران و هم آمریکا برای بازی پس گیری مناطق کرکوک و دیگر نقاطی که بعد از عقب نشینی نیروهای عراقی به تصاحب اقلیم کردستان در آمده بود را دوباره به کنترل خود در آوردند و حکومت اقلیم را به مدار ۳۶ درجه که مناطق تحت حاکمیت آنها قبل از شروع ناآرامی‌ها در عراق بود را ناچار به عقب نشینی کرد. اینگونه اقلیم کردستان هیچ دستاورد سیاسی در نتیجه این ناآرامی‌ها نداشت، و برعکس حتی کنترل بخشی از مرزهای بازرگانی و فرودگاه و چاه‌های نفتی که قبلاً در اختیار داشت را نیز از دست داد.

پارت اتحادیه دمکراتیک (پ ی د): پ ی د که نیروهای آنها در اوایل شروع ناآرامی‌های سوریه متشکل از کوردهای آن کشور بود در ابتدا با همکاری دولت مرکزی سوریه اقدام به مسلح شدن و موفق به کنترل در آوردن برخی از مناطق سوریه از دست نیروهای اپوزسیون و داعش شد که بعد با چرخشی در استراتژی خود روابط و همکاری‌های خود را با دولت مرکزی سوریه قطع کرد، و با آمریکا و همپیمانان آن‌ها وارد فاز جدیدی شد که بسیاری از مناطق تحت اشغال داعش را با کمک و پشتیبانی آمریکا و همپیمانان آن‌ها را به کنترل در آورد. اما پ ی د هر چند خود را طرف سوم میداند یعنی خود را نه وابسته به شرق میداند و نه به غرب! به خاطر نزدیکی فکری با حزب کارگران کردستان ترکیه، ترکیه آنها را به عنوان تروریست و ماندن آنها را تهدید بزرگی بر ضد امنیت ملی خود خواند و مواضع تندتری را بر علیه آنها در پیش گرفته است، آمریکایی‌ها که روابط تنگاتنگی با ترکیه داشت به ناچار آمریکا بایست میان ترکیه و پ ی د یکی را انتخاب کند که در نهایت طی چند روز پیش با تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر خروج کامل نیروهای این کشور از خاک سوریه پ ی د را در شرایط مستقیم مورد هجوم ترکیه قرار داد که تاکنون تحركات نظامی جدی از طرف ترکیه به سمت مناطق تحت حاکمیت پ ی د صورت نگرفته است. اما چنانچه دوباره به مبارزه توده‌ای و مستقل انقلابی، همانند دوره کوبانی، روی نیاورند و حمایت جامعه جهانی را به سوی نتوانند جلب نمایند، تنها گزینه‌ای که میتوان پ ی د در پیش بگیرد و بتواند در آینده سوریه جایگاهی از لحاظ سیاسی برای خود به دست بیاورد این است که مانند اوایل شروع ناآرامی‌ها دوباره با دولت مرکزی متحد شود و مناطقی که تحت کنترل آنها هست را به دولت سوریه تسلیم کند تا از هرگونه حمله دولت ترکیه به خاک سوریه جلوگیری کند و از لحاظ سیاسی بتواند در آینده سوریه نقش ایفا کند و گرنه مورد هجوم دولت ترکیه قرار میگیرد و به خاطر حفظ منافع کشورها با ترکیه هیچ کشوری نه آمریکا یا فرانسه نمیتوانند حمایت قاطع خود از پ ی د را انجام نمیدهد و تنها با این کار نیز پ ی د شانس این را دارد که در حکومت آینده سوریه امتیازاتی برای خود به دست آورد.

حال شرایط سیاسی عراق بعد از این ناآرامی‌ها بسیار تغییر کرده است. زیرا بعد از به وجود آمدن نیروهای حشد شعبی و بیشتر قدرت گرفتن نیروهای نزدیک به ایران در عراق و از طرفی اعمال تحریم‌های آمریکا و اعلام جنگ اقتصادی و روانی و حتی حمایت از بخشی از اپوزسیون و فشارهایی برای براندازی حکومت ایران صفحه دیگری از تنش‌های میان آمریکا و ایران در عراق را باز کرده است. به نحوی که منجر به تعطیلی سفارت آمریکا در شهر استراتژیکی بصره و حملاتی به سفارت آمریکا در بغداد و تهدید نیروهای شیعه به واکنش نظامی به عدم خروج نیروهای آمریکایی از عراق شده است.

شرایط سوریه اما بعد از هفت سال جنگ و جنایت تقریباً با به آرامی گذاشته است اما مسائل مورد تنش در سوریه وجود پایگاه‌های نظامی ایران در سوریه است که اسرائیل این را تهدیدی بر امنیت ملی خود قلمداد کرده است و از طرف دیگری پ ی د که بخش شرقی رود فرات را در اختیار دارد آنها نیز به بخش بزرگی از عدم حل مناقشات سیاسی در سوریه تبدیل شده اند و ترکیه به هیچ عنوان حاضر به ادا مه حیاط آنها در سوریه نیست، به نظر من دوا احتمال وجود دارد اول در مورد تنش‌های میان آمریکا و ایران در عراق بجز مذاکره این دو کشور باهم و توافقاتی راه حل دیگری پیشرو ندارند. در سوریه نیز با دخالت‌های روسیه و تلاش برای برگشت ثبات سیاسی به این کشور در نهایت یا مذاکره‌ای میان ایران و اسرائیل اتفاق می‌افتد یا مانند عراق بعد از ثبات سیاسی، ایران کاملاً نیروهای خود را از سوریه خارج میکند و ادامه حیاط خود را توسط گروه‌های نیابتی در سوریه ادامه میدهد.

جمع‌بندی: اما به عنوان جمع بندی این تحولات فقط میتوان متأسفانه یک جمله را بیان نمود: بازنده اصلی این تحولات ده‌ها میلیون انسان بی‌دفاع و میلیون‌ها شهروند زواره و متحمل شدن صدها هزار مرگ و نابودی مدنیت و زیر ساخت‌های اقتصادی شهروندان، از جمله در سوریه و یمن و عراق و غیره، به واسطه جنگ‌های جنایتکار و "برنده شدن" آنها در این جدال خونین برای اعمال قدرت و نفوذ خود. ننگ و نفرت بر همه این دولت‌ها و کلیه نیروهای تروریست ساخته شده دست آنها!

واقعیت این است که هر زمان و در هر جایی که نیروهای انقلابی و هدف و آینده سفید و آزادیخواهان‌ها ای در راس مبارزه و جنگ و جدالها قرار نگیرند، بجز ویرانی و کشتار و اعمال جنایت توسط دولت‌ها فاشیست اسلامی و ملی گرایان حاکم چیزی نسیم مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت نمیشود.

| | | | |
|---|-----------------------------|----------------|---|
|  | iransocialist2017@gmail.com | www.simroz.org |  |
| ..۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱ / ..۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ..۴۷۷۲۳۴۹۶۸۳ | | | |

نشریه شنبه‌ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسنولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک‌های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

اخراج و بیکار سازی موقوف!